

تحول جمعیت‌شناختی خانوار در ایران

حبیب‌الله زنجانی*

این مقاله در دو بخش تدوین شده است. در بخش اول، پس از بررسی تعاریف و مفاهیم خانوار و تغییر آن در منابع آماری، اثر این تغییر را در تعداد و بعد خانوار نشان داده و با اطلاع از آن به بررسی مشخصه‌های عمده خانوار در ایران پرداخته است و از آن میان، تعداد و نوع خانوار، میزان رشد خانوارهای معمولی در مقایسه با میزان رشد جمعیت آنها، ترکیب خانوار برحسب نفرات و ویژگی‌های سرپرست خانوار را بررسی کرده و یافته‌های عمده آنها را برشمرده است. عدم هماهنگی میزان رشد خانوار در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ با جمعیت آنها، مهم‌ترین یافته این بخش از مقاله است که کم‌شماری جمعیت در سرشماری ۱۳۷۵ یا استخراج نادرست بخشی از داده‌های آن سرشماری را مطرح می‌سازد. علاوه بر آن، کاهش بعد خانوار و خانوارهای پر عضو، افزایش خانوارهای فاقد شاغلی که سرپرست زن داشته‌اند و نیز افزایش نسبت سرپرستان غیرفعال این قبیل خانوارها در کنار اهمیت یافتن فعالیت‌های بخش خصوصی، از مهم‌ترین یافته‌های این بخش است.

در مورد تحول خانوار در آینده، ناکارآمدی روش‌های معمول پیش‌بینی بعد و تعداد خانوار، به دلیل ناهماهنگی ابعاد خانوار با پیامدهای کنترل باروری و اثرپذیری پیش‌بینی‌ها از تغییر تعاریف و مفاهیم، مورد تأکید قرار گرفته و با تلفیق یافته‌های این روش‌ها با روش‌های دیگر از جمله روش‌های رگرسیونی و روش هماهنگ‌سازی تغییرات بُعد خانوار با تغییرات باروری در آینده، تلاش کرده است تا تعداد خانوارها و ابعاد آن را در مقاطع پنج‌ساله تا ۱۴۰۰ به دست آورد.

واژگان کلیدی: خانوار، خانوار معمولی، خانوار دسته‌جمعی، رشد ناهماهنگ، ترکیب خانوار، سرپرست خانوار، پیش‌بینی خانوار

* دانشیار دانشگاه تهران. ha_zanjani@Yahoo.com

مقدمه

در مورد تحول خانوار از دید جمعیت‌شناختی در ایران مطالعات چندانی صورت نگرفته است و اسناد و مقالات موجود اغلب به سال‌های قبل از انقلاب برمی‌گردد. مطالعات محدود دهه‌های اخیر نیز بیشتر از جنبه جامعه‌شناختی و آسیب‌های اجتماعی بدان نگرسته‌اند و از دید جمعیت‌شناختی، محدود به توصیف‌های مقطعی بوده و کمتر به ارائه سیمای تحولی آن پرداخته‌اند. حال آنکه خانوار یکی از موضوعات مهم جمعیت‌شناختی است. تحولات جمعیت از ساختار و تحول آن اثر می‌پذیرد و به همان ترتیب بر تغییر و تحول آن نیز اثر می‌گذارد. این مقاله سعی می‌کند ابعاد جمعیت‌شناختی خانوار، به‌ویژه در سال‌های بعد از انقلاب را مورد بحث قرار دهد و هر جا که نیازی باشد، از داده‌های سال‌های قبل نیز کمک گیرد و با استفاده از روش‌های معمول، به پیش‌بینی تعداد و ابعاد خانوار در آینده پردازد. این روش‌ها با استفاده از روندهای گذشته به پیش‌بینی آینده می‌پردازند و به همین دلیل، تغییر یا ثابت ماندن تعاریف و مفاهیم در آنها نقش تعیین‌کننده دارند. درست به همین جهت است که بحث را در اینجا با تعریف آغاز می‌کنیم، سپس به بررسی متغیرهای مهم اثرگذار بر خانوار می‌پردازیم و سرانجام با تکیه بر نقاط ضعف و قوت روش‌ها و داده‌های موجود، سیمایی از ابعاد و تعداد خانوار در سال‌های آینده ترسیم می‌کنیم.

الف. شناخت وضع موجود و روند گذشته آن

۱. تعریف خانوار: تعریف آماری خانوار در سرشماری‌های کشور ثابت نمانده است. در سرشماری سال ۱۳۳۵، تفکیکی بین انواع خانوار (خانوارهای معمولی، معمولی ساکن، معمولی غیر ساکن و خانوارهای دسته‌جمعی) صورت نگرفته و کلیه خانوارها تحت عنوان واحد مطرح شده‌اند. در سرشماری سال ۱۳۴۵، خانوارها به دو گروه خانوارهای معمولی و خانوارهای دسته‌جمعی تفکیک شده‌اند که عنوان نخست، خانوارهای ساکن، متحرک و عشایری را دربرمی‌گرفته است. در سرشماری سال ۱۳۵۵، تقسیم‌بندی‌های مربوط به خانوار به همان صورت سرشماری سال ۱۳۴۵ باقی ماند، ولی در جداول نشریه‌های سرشماری، مجموع جمعیت‌های شهری و روستایی، کل جمعیت کشور را شامل شد و جایی برای جمعیت‌های متحرک و عشایری باقی نگذاشت. در سرشماری سال ۱۳۶۵، جمعیت غیر ساکن به مفهومی مشابه با خانوار متحرک به کار رفت و تعریف خانوارهای معمولی و دسته‌جمعی نیز عیناً مشابه سرشماری‌های قبل حفظ شد، ولی در عمل به دلیل درگیری کشور در جنگ تحمیلی، امکان شمارش سربازان، سپاهیان و سایر نیروهای نظامی و انتظامی و شبه نظامی درگیر در

عرصه‌های نبرد، در پادگان‌ها و اردوگاه‌ها (خانوارهای دسته‌جمعی) مقدور نشد و به‌رغم حفظ تعریف، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از آنها جزء خانوارهای معمولی شمارش شدند که یکی از پیامدهای آن بالا رفتن بعد خانوارهای معمولی در آن سرشماری بود. این وضع در سرشماری سال ۱۳۷۰ نیز استمرار یافت و تنها در سال ۱۳۷۵، شمارش افراد خانوارهای دسته‌جمعی، با تعریف آن انطباق پیدا کرد.

۲. تعداد خانوارها و انواع آن: ارقام زیر تعداد خانوارها و انواع آن را در سال‌های سرشماری نشان می‌دهد. در این جدول، جمعیت خانوارهای دسته‌جمعی و نسبت آنها به کل جمعیت کشور نیز داده شده است تا به کمک آنها بتوان اثر تغییر نحوه شمارش جمعیت خانوارهای دسته‌جمعی را دریافت.

جدول ۱. تعداد و انواع خانوارهای کشور در سال‌های سرشماری

نسبت جمعیت خانوارهای دسته‌جمعی	جمعیت خانوارهای دسته‌جمعی	تعداد خانوارها			کل خانوارها	سال
		دسته‌جمعی	معمولی غیرساکن	معمولی ساکن		
به جمعیت کل کشور	—	—	—	—	۳,۹۸۵,۵۱۰	۱۳۲۵
۶/۲ در هزار	۱۵۸,۸۷۹	۱,۶۱۵	*	۵,۰۲۲,۱۹۳	۵,۱۶۲,۱۹۲	۱۳۳۵
۱۰/۶ در هزار	۲۵۸,۲۲۶	۲,۵۶۰	*	۶,۶۲۳,۵۸۵	۶,۷۱۱,۶۲۸	۱۳۵۵
۲/۶ در هزار	۱۲۸,۰۷۳	۱۳۵۳	۳۵,۵۳۲	۹,۶۲۶,۹۲۵	۹,۶۳۳,۹۳۱	۱۳۶۵
۳/۱ در هزار	۱۷۱,۳۳۳	۱۹۰۶	۵۹,۶۸۱	۱۰,۷۲۵,۶۴۰	۱۰,۷۸۲,۳۳۷	۱۳۷۰
۱۵/۶ در هزار	۹۲۸,۰۳۷	۱۰,۲۹۲	۲۸,۹۳۰	۱۲,۱۳۹,۰۰۳	۱۲,۳۹۸,۳۳۵	۱۳۷۵

* در سال ۱۳۴۵ تعداد خانوارهای متحرک ۴۴,۶۶۰ و تعداد خانوارهای عشایری ۸۸,۷۲۳ بوده و در سال ۱۳۵۵ به ترتیب به ۲,۱۱۱ و ۶۳,۳۷۲ خانوار رسید.

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ کشور

افزایش ۷۶۶۶۷۴ نفر بر جمعیت خانوارهای دسته‌جمعی در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ دلیل بارزی بر نامتشابه بودن شمارش این افراد در آن دو سرشماری است. در صورتی‌که این تغییر پیش نمی‌آمد، بعد خانوارهای معمولی سال ۱۳۷۵ از ۴/۷۷ به ۴/۸۳ نفر افزایش می‌یافت.

۳. رشد خانوارهای معمولی در مقایسه با رشد جمعیت: با توجه به آنکه همواره بیش از ۹۹ درصد خانوارها را خانوارهای معمولی (اعم از ساکن و یا غیرساکن) تشکیل می‌دهند، می‌توان با صرف‌نظر کردن از تغییرات در چگونگی شمارش خانوارهای دسته‌جمعی و جمعیت

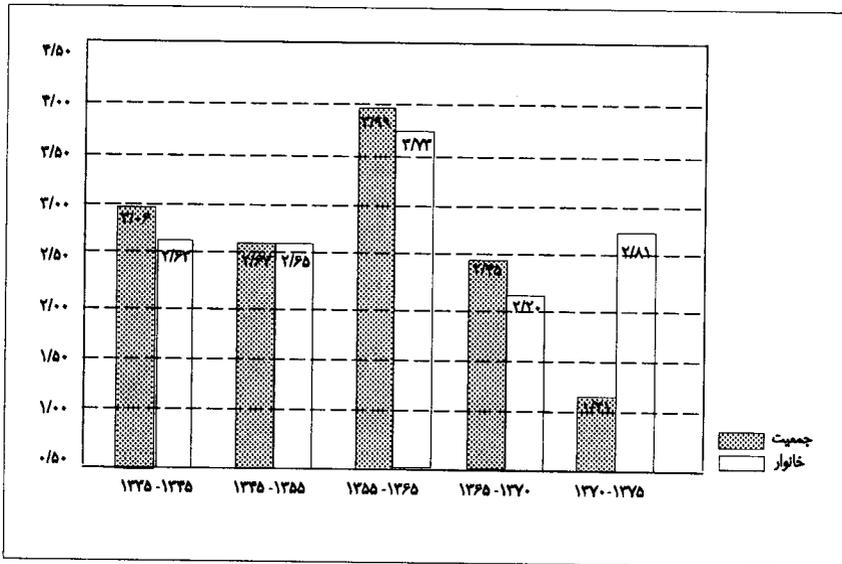
آنها، بحث را به خانوارهای معمولی اختصاص داد و تغییر و تحول آن را دنبال کرد (جدول ۲ و نمودار ۱).

جدول ۲. ارقام رشد سالانه خانوارهای معمولی و جمعیت و بعد آنها در کشور در سال‌های ۱۳۳۵ تا

۱۳۷۵

سال	رشد خانوار	رشد جمعیت	بعد خانوار
۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵	۲/۶۳	۳/۰۶	از ۴/۷۶ به ۴/۹۶
۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵	۲/۶۵	۲/۶۷	از ۴/۹۶ به ۴/۹۷
۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵	۳/۷۳	۳/۹۹	از ۴/۹۷ به ۵/۱۰
۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰	۲/۲۰	۲/۴۵	از ۵/۱۰ به ۵/۱۶
۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵	۲/۸۱	۱/۲۱	از ۵/۱۶ به ۴/۷۷

مأخذ: محاسبه از روی داده‌های سرشماری‌ها



نمودار ۱. مقایسه میزان‌های رشد خانوار و جمعیت از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵

بدین ترتیب، به جز در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، میزان‌های رشد خانوارهای معمولی و جمعیت آنها تشابه و همسانی نزدیکی با هم نداشته‌اند. عدم همسانی آنها بیش از هر زمان دیگر به فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ مربوط می‌شود که در آن، میزان رشد سالانه

جمعیت این خانوارها حتی کمتر از نصف (۴۳ درصد) میزان رشد تعداد آنها بوده است. با توجه به آنکه طبیعتاً تغییرات این دو باید بسیار نزدیک به هم باشند، زیرا از تغییرات بعد خانوار نشأت می‌گیرند و علی‌الاصول این تغییرات در یک دوره زمانی پنج‌ساله، بسیار اندک (در این مورد حدود ۸ درصد) است، مغایرت آشکاری بین تعداد جمعیت و تعداد خانوارهای شمارش شده سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ پیش می‌آید. این تفاوت چشمگیر را باید به نقص شمارش جمعیت و خانوار در یکی یا هر دوی آن سرشماری‌ها و به احتمال خیلی زیاد، به کم‌شماری جمعیت در سرشماری ۱۳۷۵ یا استخراج و جدول‌گیری داده‌های آن سرشماری نسبت داد. این کم‌شماری حداقل ۱/۶ میلیون نفر برآورد شده است. (زنجان ۱۳۷۷: ۲-۲۸).

در مجموع، کاهش بعد خانوار از سال ۱۳۷۵ به بعد نیز ادامه داشته و براساس آمارگیری‌های نمونه‌ای مرکز آمار ایران، بجز افزایش جزئی در سال ۱۳۷۶ (۴/۸۲)، به‌طور مدام رو به کاهش داشته و در سال ۱۳۸۳ به میزان ۴/۳۴ (۴/۱۵ در شهر و ۴/۷۶ در روستا) نفر برآورد شده است (زنجان ۱۳۸۳: ۳۵). گفتنی است که اگر بعد خانوار سال ۱۳۷۵، به جای ۴/۷۷ نفر همان رقم ۴/۳۴ نفر سال ۱۳۸۳ نیز منظور شود، باز هم میزان رشد سالانه ۱/۲۱ درصدی جمعیت در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ توجیه پذیر نخواهد بود.

۴. ترکیب خانوار: برای درک بهتر چگونگی تغییرات بعد خانوار و رفع تناقض میان میزان رشد بالای خانوار در مقابل میزان رشد پایین جمعیت در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵، می‌توان از تغییرات ترکیب خانوار بر حسب تعداد اعضای آن کمک گرفت. بررسی این موضوع نشان می‌دهد که:

۱. نسبت خانوارهای تک‌زیست از ۴/۵ درصد کل خانوارها در سال ۱۳۶۵ به ۴/۲ درصد در سال ۱۳۷۰ و سپس به ۴/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است که تا سال ۱۳۸۴ می‌تواند به ۴/۸ درصد رسیده باشد.

۲. خانوارهای ۲ و ۳ نفره در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ درحد ۲۳/۳ درصد ثابت مانده و سپس رو به افزایش نهاده و در سال ۱۳۷۵ به ۲۷/۳ درصد رسیده است. این روند می‌تواند نسبت خانوارهای مذکور را تا سال ۱۳۸۴ به ۴/۲۹ درصد برساند.

۳. اهمیت نسبی خانوارهای ۴ و ۵ نفره در دوره‌های پنج‌ساله مورد بحث از ۳۱/۶ درصد به ۳۱/۵ درصد و سپس به ۳۴/۳ درصد رسیده است و احتمال دارد تا سال ۱۳۸۴ به ۳۹/۳ درصد افزایش یافته باشد.

۴. نسبت خانوارهای پر عضو ۶ نفره و بیشتر از ۴۰/۶ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۴۱ درصد در

سال ۱۳۷۰ افزایش و سپس به ۳۴ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است که احتمالاً در سال ۱۳۸۴ به ۲۶/۵ درصد کاهش یافته است.

به این ترتیب، در حال حاضر مجموع خانوارهای ۱ و ۲ و ۳ نفره حدود ۳۴ درصد، خانوارهای ۴ و ۵ نفره حدود ۳۹ درصد و خانوارهای بیش از ۵ نفره حدود ۲۷ درصد کل خانوارها را تشکیل می‌دهند. این مقادیر می‌توانند ارقام برآورد شده قبلی را در مورد بعد خانوارها که این شاخص را برای سال ۱۳۸۳ معادل ۴/۳۶ نفر (۴/۲۲ در شهر و ۴/۶۴ در روستا) به دست داده بود، تأیید کنند (زنجان، ۱۳۸۳: ۳۵).

۵. ویژگی‌های سرپرست خانوار: عامل جمعیت‌شناختی مهمی که در برنامه‌ریزی‌های خانوار به‌ویژه از نظر مسکن حائز اهمیت است، جنسیت سرپرست خانوار است. این موضوع از آن نظر اهمیت دارد که خانوارهایی که سرپرست آنها زن است، معمولاً با سطح درآمد پایین‌تر و با نیازهای بیشتری مواجه‌اند. با نبود مرد به عنوان سرپرست خانوار، تمامی تکالیف وی بر دوش زن و اعضای بزرگسال خانوار منتقل می‌شود و بر سنگینی وظایف آنها می‌افزاید. این امر در شرایط نقص یا نبود حمایت‌های اجتماعی، می‌تواند تنگناهای بی‌شماری را برای خانوار به وجود آورد. افزایش سهم خانوارهای دارای سرپرست زن، به‌ویژه در خانوارهای فاقد فرد شاغل از ویژگی‌های سال‌های اخیر در کشور ماست که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن را باید از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر جنگ دانست. نسبت خانوارهای دارای سرپرست زن در سال ۱۳۷۰ به میزان ۵/۹ درصد از سال‌های قبل و بعد کمتر بوده و در سال ۱۳۷۵ به ۸/۴ درصد رسیده است. پیش‌بینی می‌شود که این نسبت در سال ۱۳۸۴ به حدود ۹ درصد رسیده باشد. لازم به ذکر است که سهم خانوارهای فاقد شاغلی که دارای سرپرست زن بوده‌اند از ۲۸/۸ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۳۰/۷ درصد در سال ۱۳۷۹ و به ۳۳/۰ درصد در سال ۱۳۸۲ رسیده است و برای سال ۱۳۸۳ این نسبت ۳۱/۴ درصد در نقاط شهری و ۳۷/۵ درصد در نقاط روستایی برآورد شده است (زنجان، همان).

در شناخت و تحلیل وضع خانوارها بر حسب شغل سرپرست باید گفت که در سرشماری‌های بعد از انقلاب، اطلاعاتی در مورد شغل سرپرستان خانوار انتشار نیافته و امکان اخذ جدول آماری مربوط به این موضوع نیز مقدور نبوده است. تنها اطلاع موجود در مورد سرپرستان خانوار در سرشماری‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ توزیع آنها بر حسب سن و جنس و آن هم برای کل کشور و کل جمعیت استان‌هاست، بی‌آنکه اطلاعات جداگانه‌ای به تفکیک شهری و روستایی داده شده باشد. علاوه بر آن، ترکیب سنی اعلام شده در نتایج سرشماری‌های بعد از انقلاب، در قالب گروه‌های سنی ده‌ساله بوده و کاربرد زیادی از نظر مقایسه‌ای با سرشماری‌های

قبل ندارند. لیکن به رغم نقص این اطلاع در سرشماری‌های بعد از انقلاب، داده‌های نسبتاً مناسبی در نمونه‌گیری‌های مرکز آمار ایران وجود دارد که می‌توان یافته‌های زیر را از آنها استخراج کرد:

۱. نسبت خانوارهای دارای سرپرست زن در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ بین ۷/۴ درصد (۱۳۷۶) و ۸/۸ (۱۳۸۲) قرار داشته است.

۲. با گذشت زمان، تغییر عمده‌ای در نسبت خانوارهای دارای سرپرست مرد ایجاد نشده و این نسبت از ۹۰/۳ درصد پایین‌تر و از ۹۲/۶ درصد بالاتر نبوده است.

۳. نسبت دارندگان درآمد بدون کار در بین سرپرستان مرد در نقاط روستایی بیش از نقاط شهری و در مجموع رو به کاهش بوده است. این نسبت در بین سرپرستان مرد از ۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۲/۳ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته است. این نسبت‌ها به ترتیب در نقاط شهری از ۹/۸ به ۱۳/۹ و در نقاط روستایی از ۷/۶ به ۸/۹ رسیده است. حال آنکه از نسبت زنان سرپرست خانوار دارای درآمد بدون کار به شدت کاسته شده و در این مدت از ۳۷/۲ درصد به ۱۸/۳ درصد فرو افتاده است. این ارقام در شهرها از ۳۵/۱ به ۱۷ و در روستاها از ۴۰/۱ به ۲۱/۱ رسیده است.

۴. به تبع این تغییرات، نسبت سرپرستان غیرفعال اقتصادی برای مردان در حد ۳ تا ۴ درصد باقی مانده، لیکن در مورد زنان از ۴۹/۹ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۶۹/۴ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته و این روند با مختصر تفاوتی، هم در شهر و هم در روستا، مصداق داشته است.

۵. از نظر توزیع سرپرستان خانوار بر حسب بخش‌های فعالیت‌های اقتصادی، کاهش اشتغال در بخش کشاورزی، افزایش نسبتاً کند آن در بخش صنعت و افزایش محسوس‌تر آن در بخش خدمات، قابل ذکر بوده و گویای آن است که داعیه‌های اخیر وزارت جهاد کشاورزی در مورد افزایش بیش از یک میلیون شغل در بخش کشاورزی و آن هم در یک مدت کوتاه چند ساله تا چه اندازه دور از واقعیت‌های تحول اشتغال در بخش کشاورزی در دهه‌های گذشته و حتی سال‌های اخیر است.

۶. از نظر توزیع خانوارهای دارای سرپرست شاغل بر حسب گروه‌های عمده شغلی، اطلاعات آماری حاکی از تفاوت محسوس اشتغال در تمامی گروه‌های عمده شغلی بین شهر و روستا بوده و تنها در گروه کارگران ساده این تفاوت نسبتاً ناچیز است. ارقام نسبی اشتغال سرپرستان خانوارهای شهری دارای شغل به کل سرپرستان شاغل خانوارها در مشاغل قانون‌گذاری و مشاغل عالی رتبه اداری، به‌طور متوسط ۴ برابر، در مشاغل تخصصی ۳/۵ برابر، تکنیسین‌ها و دستیاران ۳/۴ برابر، کارکنان امور دفتری ۳/۵ برابر و در صنعتگری و کارکنان

مشاغل مربوطه حدود ۲ برابر ارقام متناظر روستایی بوده است. تحول در طول زمان بسیار کند و بطئی بوده و سهم نسبی سرپرستان شاغل در گروه عمده مشاغل کشاورزی در روستا بین ۷/۵ تا ۸/۵ برابر ارقام شهری بوده است.

از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۲، از سهم نسبی کارکنان ماهر کشاورزی هم در شهر و هم در روستا کاسته و بر سهم کارکنان خدماتی و فروشندگان افزوده شده است. این وضع با نوساناتی در مورد سهم نسبی اپراتورها و رانندگان، تکنسین‌ها و دستیاران نیز صادق بوده و در مقابل، سهم نسبی کارگران ساده در جمعیت روستایی رو به افزایش و در جمعیت شهری با نوساناتی مواجه بوده که حاصل عملکرد بازار کار در این دو جمعیت است.

۷. آخرین نکته مهم در این زمینه توزیع سرپرستان خانوارهای دارای فرد شاغل برحسب وضع شغلی است که با توجه به اهمیت آن، به‌ویژه در نقاط شهری، تنها به ذکر اطلاعاتی در این مورد می‌پردازیم: در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۲ سهم نسبی سرپرستان خانوار شاغل در بخش خصوصی رو به افزایش و در بخش عمومی رو به کاهش نهاده است.

۸. از نسبت اشتغال آنان در بخش عمومی در این دوره ۲۱/۴ درصد کاسته شده و بر سهم اشتغال آنان در بخش خصوصی کمی بیش از ۱۲ درصد افزوده شده است که از نظر قدر مطلق، افزایش عددی شاغلان معادل کاهش تعداد آنان در بخش عمومی بوده است.

۹. در بین شاغلان بخش خصوصی، بر سهم نسبی کارفرمایان بیش از سایر گروه‌ها افزوده شده و افزایش اشتغال در بین آنان با (۹/۴ درصد) و در بین حقوق‌بگیران این بخش با (۲۷/۸ درصد) محسوس بوده است.

۱۰. سهم نسبی کارکنان مستقل با نوسانات اندک تقریباً ثابت مانده است.

۱۱. اشتغال در بخش تعاونی در عین کم‌اهمیت بودن، در طول دوره مورد بحث نیز افت داشته و از رقم کوچک ۰/۵ درصد به رقم ناچیز ۰/۲ درصد رسیده است.

۱۲. بخش خصوصی، مهم‌ترین بخش اشتغال سرپرستان خانوار اعم از مرد (۷۷/۶ درصد) و زن (۶/۱ درصد) را تشکیل می‌داده و اهمیت کارکنان مستقل در این بخش بیش از مزد و حقوق‌بگیران (در مورد مردان ۱/۴ برابر و در مورد زنان ۱/۶ برابر) بوده است.

ب. تحولات خانوار

برای شناخت تحولات خانوار و پیش‌بینی تعداد و بعد آن در آینده، دو روش عمده وجود دارد که هر دو بر تغییرات نسبت خانوار استوار است. در روش اول، این تغییرات از شناخت نسبت سرپرستی خانوار بر حسب جنس در گروه‌های سنی مشابه (معمولاً پنج‌ساله منظم)

حاصل می‌شود و در روش دوم، از نسبت سرپرستان خانوار به جمعیت بالغ (۲۰-۶۴ ساله) به برآورد بعد خانوار می‌پردازند که در رابطه با پیش‌بینی‌های جمعیت، تعداد خانوارها را در زمان‌های مختلف به دست می‌دهند. علاوه بر این روش‌ها، که در این مقاله به تفصیل معرفی و مورد استفاده قرار می‌گیرند، از روش‌های آماری و جمعیت‌شناختی دیگری نیز می‌توان به برآورد ابعاد خانوار و تعداد آنها در سال‌های مورد نظر دست یافت. این روش‌ها معمولاً برای تکمیل یا رفع کاستی‌های نسبت خانواری به کار می‌روند که در اینجا به یکی دو مورد از آنها نیز اشاره خواهد شد.

۱. روش نسبت سرپرست خانواری^۱ بر حسب سن و جنس که بر پایه تغییرات نسبت سرپرستی خانوار بر حسب گروه‌های سنی عمل می‌کند و نوعی روش رگرسیونی است. در این روش، نسبت رییس خانوار بودن به تفکیک جنس در گروه‌های سنی محاسبه می‌شود. این محاسبات حداقل باید برای دو نقطه زمانی با فاصله n ساله وجود داشته باشند و حتی‌الامکان از نتایج سرشماری‌های عمومی که بر پایه تعاریف یکسانی انجام شده باشند، به دست آید. باور اصلی در این روش ثابت ماندن شرایط جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی جامعه در سال‌های آینده، نزدیک به شرایط و اوضاع و احوالی است که اطلاعات پایه برای آن سال‌ها، تهیه شده است. در غیر آن صورت پیش‌بینی تعداد و ترکیب خانوارها از دقت کافی برخوردار نخواهد بود.

رفع کاستی‌های این روش ممکن است محتاج مطالعات خاصی برای شناخت تغییر و تحول خانوارها در شرایط اجتماعی و اقتصادی ویژه‌ای باشد که گمان می‌رود جامعه مورد مطالعه در دوره پیش‌بینی با آن مواجه باشد. در توجیه ضرورت این مطالعه باید گفت که مثلاً تغییر سن ازدواج، سن ورود به بازار کار یا صنعتی شدن سریع، روال عادی تغییر نسبت‌های رییس خانواری در گروه‌های سنی را به هم می‌زند، درحالی که در جوامع سنتی، اثر آداب و رسوم پابرجا، بر رفتارهای مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و ضرورت حفظ و حرمت آن منعکس می‌شود و تغییرات نسبت سرپرستی خانوارها را در گروه‌های سنی و جنسی به دور از نوسانات سریع نگه می‌دارد (زنجانی ۱۳۶۹: ۱۲۰).

اطلاعات لازم برای استفاده از این روش در سرشماری‌های قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) گردآوری می‌شد و توزیع جمعیت بر حسب نسبت رییس خانواری در گروه‌های سنی پنج‌ساله در کلیه سطوح تقسیمات کشوری اعم از استانی، شهرستانی و شهری و روستایی به تفکیک جنس داده می‌شد، لیکن در سرشماری سال ۱۳۶۵، این اطلاع فقط برای کل کشور و آن هم در گروه‌های

سنی ۱۰ ساله (سنین ۲۰ تا ۶۰ سالگی) به صورت جدولی در مقدمه نشریه کل کشور (جدول ط: ۱۲) ارائه شد که حتی جمعیت شهری و روستایی کشور را نیز در بر نگرفت و به طریق اولی سطوح پایین تر تقسیمات کشوری، یعنی استان‌ها و شهرستان‌ها را نیز شامل نشد. این رویه در سرشماری سال ۱۳۷۰ نیز به همان ترتیب اعمال شد تا آنکه در سال ۱۳۷۵، مدل سرشماری‌های قبل از انقلاب اسلامی مجدداً احیاء شد و جدول شماره ۴۱ نشریات سرشماری به ارائه اطلاعاتی درباره ترکیب سنی سرپرستان خانوار به تفکیک جنس در نقاط شهری و روستایی پرداخت، ولی برعکس سرشماری‌های قبل، این اطلاعات در مورد شهرها منتشر نشد. در نتیجه، نه می‌توان از روی داده‌های سرشماری‌های قبل از انقلاب اسلامی به برآورد تعداد خانوارها و ترکیب آنها برای سال‌های ۱۳۷۵ به بعد اقدام کرد که گذشت زمان و تغییرات بنیادی در ساختار سنی جمعیت چنین اقدامی را برنمی‌تابد، و نه می‌توان به دلیل ناقص بودن اطلاعات مربوط به سرپرست خانوارها برحسب سن در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰، از آنها در مقایسه با داده‌های سرشماری ۱۳۷۵ سود جست. از این رو استفاده از این روش را برای برآورد تعداد و ترکیب خانوارها در آینده، باید به زمانی موکول کرد که حداقل اطلاعات ضروری تهیه شده باشد.

برای آنکه بتوان حدود کاستی‌های استفاده از این روش را در حال حاضر، که کشور ما در مراحل نهایی دوران گذار جمعیتی قرار دارد و رویدادهای بعد از انقلاب اسلامی نیز به کلی ساختار سنتی خانوار را تحت تأثیر قرار داده است، به خوبی درک کرد، می‌توان به محاسبات آزمایشی پرداخت و نتایج به دست آمده را مورد ارزیابی قرار داد. بهترین حالت در این مورد، محاسبه نسبت‌های سرپرستی خانوار و تعداد خانوارهای ایران یا نقاط شهری آن برای سال ۱۳۷۵ و مقایسه ارقام به دست آمده با داده‌های سرشماری همان سال است.

«در محاسبه تعداد خانوارها به روش تغییرات نرخ سرپرستی خانوار برحسب سن و جنس»، نکته مهم به دست آوردن نرخ‌های ویژه سرپرستی بر حسب سن و جنس برای سال‌های آینده است. برای این منظور می‌توان روش‌های مختلفی را در پیش گرفت (توفیق ۱۳۷۴: ۱۲) که در زیر به سه نمونه اشاره می‌شود:

۱. «می‌توان نرخ‌های سرپرستی سال پایه را ثابت انگاشت یا
۲. نرخ‌های آینده را براساس روند گذشته برآورد کرد یا
۳. با استفاده از تحلیل رگرسیونی (احیاناً داده‌های مقطعی) نرخ‌های مذکور را به دست آورد

یا

۴. نرخ‌های مطلوب را از سیاست‌های مسکن... استخراج کرد» (همان: ۱۲)

در شرایط جاری رویه ۱ رویه مطلوبی نیست. رویه ۳ به جهت نامشخص بودن چگونگی اثرگذاری تغییر تعاریف و مفاهیم بر نرخ‌های سرپرستی، تعدد عوامل اثرگذار بر تغییرات آن و متفاوت بودن شرایط اجتماعی و اقتصادی اثرگذار بر تغییرات نرخ سرپرستی در سال‌های قبل و بعد از انقلاب، با کاستی‌های جدی مواجه است و توسل به رویه چهارم نیز به دلیل آنکه سیاست‌های مسکن در کشور چنین ارقامی را به دست نمی‌دهند، عملی نیست. در نتیجه، تنها روش باقی‌مانده استفاده از گزینه دوم، یعنی برآورد نسبت رییس خانواری برحسب جنس در گروه‌های سنی یا ملحوظ داشتن روند گذشته است. همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، انقطاع اطلاعات آماری برای تهیه سری‌های زمانی ۲ یا ۳ مرحله هم فاصله از هم، کاربرد این روش را مختل کرده است، ولی با توجه به برآورد نسبت رییس خانواری برای سال ۱۳۶۵ (همان: ۱۴)، که در مقایسه با داده‌های سرشماری سال ۱۳۶۵ نتایج قابل قبولی (تعداد کل خانوارهای حاصل از این روش ۰/۶ درصد بیشتر از یافته‌های سرشماری ۱۳۶۵ است) به دست داده است، می‌توان از نسبت‌های رییس خانواری سرشماری ۱۳۵۵ و ارقام برآورده شده سال ۱۳۶۵، تعداد خانوارهای سال ۱۳۷۵ را به دست آورد و با داده‌های آن سرشماری مقایسه کرد (هرچند اشکال مطرح شده برای استفاده از روش ۳ در این مورد نیز با شدت کمتری صادق است). روش پیشنهادی سازمان ملل^۱ (۱۹۶۶) در این زمینه به شرح زیر است:

$$h(i, j, t + x) = 1 - [(1 - h(i, j, t - n))] \times \left[\frac{1 - h(i, j, t)}{1 - h(i, j, t - n)} \right]^n$$

که در آن x فاصله از سال پایه تا سال برآورد، $h(i, j, t)$ نسبت‌های رییس خانواری برحسب جنس (i) و گروه سنی (j) در سال (t) (سال پایه برای پیش‌بینی) بوده که با تغییر t به $t - n$ و یا به $t + n$ ارقام دوره‌های زمانی قبل و بعد (زمان مورد نظر برای پیش‌بینی) به دست می‌آید و نیازمند جدولی از داده‌های جمعیتی است که نرخ‌های سرپرستی خانوار برای جنس مورد مطالعه، در زمان‌های ضروری هم فاصله (مثلاً فاصله‌های $n = 10$ ساله سرشماری‌ها) وجود داشته باشد. با مراجعه به داده‌های موجود که نرخ‌های سرپرستی خانوارهای شهری را در سال‌های ۱۳۵۵ (سرشماری) و ۱۳۶۵ (برآورد) به دست می‌دهند، می‌توان به محاسبه نرخ‌های سرپرستی در گروه‌های سنی سال ۱۳۷۵ پرداخت.

1. United Nations

با کاربرد این روش، تعداد خانوارهای سال ۱۳۷۵ جامعه شهری کشور ۸,۶۹۱,۶۸۹ به دست می‌آید که ۸,۰۲۰,۷۵۱ خانوار آن دارای سرپرست مرد و ۶۷۰,۹۳۸ خانوار آن دارای سرپرست زن است. این ارقام در مقایسه با نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ حدود ۹/۴ + درصد (۱/۱۰ درصد در مورد خانوارهای دارای سرپرست مرد و ۲ درصد در مورد خانوارهای دارای سرپرست زن) اختلاف دارد. این تفاوت‌ها در تمام گروه‌های سنی یکسان نیست. تفاوت در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله مردان با ۴۰۷,۵۰۵ بیش از سایر گروه‌های سنی است و ارقام گروه‌های سنی ۲۵-۲۹ و ۱۵-۱۹ ساله نیز از این نظر در مرتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. برآورد خانوارهای دارای سرپرست مرد در گروه‌های سنی میانی مناسب‌تر و در گروه‌های سنی ۶۰ ساله به بالا، کمتر از داده‌های سرشماری است.

در مورد ارقام برآورد شده برای خانوارهای دارای سرپرست زن، نظم ریاضی خاصی به چشم نمی‌خورد، ولی در هر حال، درصد انحراف برای این جنس حدود ۵ برابر کمتر از انحراف در برآورد ارقام مربوط به مردان است.

بی‌تردید اعمال سیاست‌های تنظیم خانواده، جمعیت گروه‌های سنی ۰-۴، ۵-۹ و ۱۰-۱۴ ساله را به نحو محسوسی تقلیل داده است بی‌آنکه این تقلیل به همان نسبت بر بعد خانوار نیز مؤثر افتاده باشد (سهم نسبی این سه گروه از ۴۵/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۳۹/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده و حدود ۱۳/۵ درصد کاسته شده است، در حالی که کاهش بعد خانوار تنها ۶/۵ درصد بوده است). نمی‌توان رقم ۴/۲ (۸,۶۹۱,۶۸۹ / ۳۶.۸۱۷,۷۸۹) نفر بعد خانوار به دست آمده از این روش را، در مقابل ۴/۷۷ نفر حاصل از سرشماری در همان سال پذیرفت.

۲. روش دیگری که از آن برای پیش‌بینی تعداد خانوارها استفاده می‌کنند، روش نسبت خانوار به جمعیت است و در آن تعداد خانوارها را در رابطه با جمعیت بالغ ۲۰-۶۴ ساله قرار می‌دهند. این روش برای برآورد خانوارهای سال ۱۳۶۵ از روی سرشماری‌های قبل مورد استفاده قرار گرفته است (سازمان ملل ۱۹۶۶ و توفیق ۱۳۷۴: ۶)، لیکن افت نسبت خانوار به جمعیت بالغ در سال ۱۳۷۰ و افزایش بسیار بالای آن در سال ۱۳۷۵ به دور از روال عادی تغییر نسبت‌های مذکور در سرشماری‌های قبل، به‌ویژه سرشماری‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ است. این روش به صورت زیر معرفی شده است:

$$H_t = 1 - (1 - h_n) \left(\frac{1 - h_{(n+a)}}{1 - h_n} \right)^{\left(\frac{(t-n)}{(n+a)-n} \right)}$$

که در آن H_t تعداد خانوار در سال مورد نظر، n و $n+a$ سال‌های سرشماری و a فاصله بین دو سرشماری و معمولاً ۱۰ سال است.

جدول شماره ۳. تحول نسبت خانوارهای معمولی به جمعیت بالغ ۲۰-۶۴ ساله آن خانوارها*

سال	تعداد خانوارها	جمعیت ۲۰-۶۴ ساله	نسبت خانوار به جمعیت ۲۰-۶۴ ساله
۱۳۳۵	۳۹۸,۵۶۸	۸,۷۸۲,۳۵۴	۰/۴۵۳۸۳
۱۳۴۵	۵,۰۲۹,۳۲۰	۱۰,۲۸۷,۲۱۹	۰/۴۸۸۸۹
۱۳۵۵	۶,۷۰۹,۰۶۸	۱۳,۶۹۱,۹۸۳	۰/۴۹۰۰۰
۱۳۶۵	۹,۶۲۶,۹۴۵	۲۰,۱۰۳,۶۷۶	۰/۴۷۸۸۶
۱۳۷۵	۱۲,۳۸۷,۹۴۳	۲۶,۰۳۳,۸۶۷	۰/۴۷۵۸۴

* یادآور می‌شود که تعریف خانوار در سرشماری‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ با سرشماری‌های قبل تفاوت دارد و خانوارهای معمولی غیرساکن و دسته‌جمعی در آنها نیز با تعریف واحدی ارائه نشده است. از این رو اشکالات اندکی در مقایسه این ارقام در سرشماری‌ها وجود دارد.

با صرف نظر کردن از ارقام سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۷۰ علی‌الاصول باید بتوان در شرایط تابع‌نمایی تغییر یافته، شمار خانوارهای سال ۱۳۷۵ را به دست آورد و با داده‌های آن سرشماری مقایسه کرد. با قرار دادن ارقام سال‌های مزبور در روابط زیر:

$$\text{الف) } 0/48889 = k + a$$

$$\text{ب) } 0/49000 = k + ab^{10}$$

$$\text{ج) } 0/47886 = k + ab^{20}$$

دو رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{(A) } 0/49000 - 0/48889 = a(b^{10} - 1)$$

$$\text{(B) } 0/47886 - 0/49000 = ab^{10}(b^{10} - 1)$$

و از تقسیم رابطه B به A مقدار عددی رابطه یعنی b^{10} حاصل می‌شود که اندازه آن منفی

است.

$$\frac{0/47886 - 0/49000}{0/49000 - 0/48889} = \frac{0/11886}{-0/012} = -15/7167$$

در این شرایط نمی‌توان مقدار b و به تبع آن مقادیر a و k و تعداد خانوارهای سال ۱۳۷۵ را به دست آورد و به مقایسه آن با یافته‌های سرشماری سال ۱۳۷۵ پرداخت. لیکن ارقام حاصل از سرشماری‌های سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به گونه‌ای هستند که این محاسبه را برای

سال‌های بعد امکان‌پذیر می‌سازند. ضرایب به دست آمده از اعمال روش «نسبت خانوار» بر داده‌های سرشماری‌های مذکور، مقادیر مندرج در جدول شماره ۴ را به دست می‌دهند که با ضرب آنها در جمعیت‌های بالغ ۲۰-۶۴ ساله پیش‌بینی شده، تعداد و بعد خانوار آن سال‌ها به شرح جدول شماره ۵ به دست می‌آید.

جدول شماره ۴. برآورد نسبت خانوارهای کشور برای سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۸ و ۱۴۰۰

سال	نسبت خانوار به جمعیت بالغ ۲۰-۶۴ ساله
۱۳۸۳	۰/۴۸۰۱۰
۱۳۸۸	۰/۴۷۷۵۲
۱۴۰۰	۰/۴۷۵۳۰

* در انتخاب سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ سال‌های پایانی برنامه‌های پنج ساله سوم و چهارم مد نظر بوده است.

جدول شماره ۵. برآورد تعداد و بعد خانوار سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۸ و ۱۴۰۰

سال	نسبت خانوار	جمعیت ۲۰-۶۴ ساله*	تعداد خانوار	بعد خانوار
۱۳۸۳	۰/۴۸۰۱۰	۳۶,۷۹۷,۸۷۱	۱۷,۶۶۶,۶۵۸	۳/۹۶
۱۳۸۸	۰/۴۷۷۵۲	۴۳,۶۳۹,۰۵۲	۲۰,۸۳۸,۵۲۰	۳/۶۷
۱۴۰۰	۰/۴۷۵۳۰	۵۲,۳۰۷,۵۴۷	۲۵,۳۳۷,۰۷۷	۳/۶۰

* زنجان، حبیب‌الله، پیش‌بینی جمعیت کشور با فرض پایین، در بازنگری جمعیت کشور در طرح فرادست تهران ۱۳۸۴

این ارقام نشان می‌دهند که روند منطقی کاهش بعد خانوار در سال‌های آینده نیز استمرار خواهد داشت. این کاهش در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۰ به طور متوسط سالانه ۱/۱۲ درصد خواهد بود. کاهشی که در سال‌های اول این دوره سریع‌تر است و به تدریج از شدت آن کاسته می‌شود و در اواخر دوره به رقم ناچیزی خواهد رسید:

در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ به طور متوسط سالانه ۲/۳۰ درصد
 در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به طور متوسط سالانه ۱/۵۱ درصد
 در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ به طور متوسط سالانه ۰/۱۶ درصد

که نشان‌دهنده گرایش به تثبیت بعد خانوارهای معمولی، در حد ۳/۵ نفر در سال‌های بعد از آن است.

پیگیری روند تغییرات بعد خانوار سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، و برآورد آن برای سال‌های بعد با روش دیگری نیز امکان‌پذیر است و آن پیگیری روند تغییرات بعد خانوار و برآورد آن برای سال‌های آینده است. این روش می‌تواند به صورت رگرسیون خطی و یا رگرسیون‌های نوع دیگر اعمال شود. در اینجا، محاسبه را با استفاده از سه روش رگرسیون خطی^۱، لگاریتمی - خطی^۲ و اشباع‌شونده^۳ با فرض حد پایینی از آن دنبال می‌کنیم:

داده‌های پایه^۳ این روش‌ها عبارت‌اند از بعد خانوارهای معمولی سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ (ارقام تعدیل شده^۴ آن سال معادل میانگین ارقام سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵) و بعد خانوار سال ۱۳۷۵ به شرح مندرج در جدول شماره ۶.

فرمول‌های کلی این محاسبات به شرح زیرند:

$$Y = A + B.X \quad \text{الف. رگرسیون خطی}$$

$$\ln Y = A + B.X \quad \text{ب. رگرسیون لگاریتمی - خطی}$$

$$\ln(Y - C) = A + B \ln x \quad \text{ج. رگرسیون اشباع‌شونده با حد پایینی از } x$$

بررسی یافته‌های حاصل از این روش‌ها به اظهارنظرهای زیر منجر می‌شود:

۱. به دلیل تغییر در تعریف خانوارها (چگونگی احتساب خانوارهای دسته‌جمعی، تعریف اعضای حاضر خانوار و...) مقایسه داده‌های سرشماری‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ با سرشماری‌های بعد، با کاستی‌هایی مواجه است که به دلیل فقدان داده‌های تصحیح‌گر به‌ناچار ارقام حاصل از سرشماری‌ها را در مورد خانوارهای معمولی، پایه این محاسبات قرار داده است.

۲. داده‌های سال ۱۳۶۵ به دلیل شرایط جنگی حاکم و شمارش قسمت اعظم خانوارهای دسته‌جمعی به‌ویژه سربازان به عنوان اعضای مقیم خانوارها، تعدیل شده و میانگینی از ارقام سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ به عنوان بعد خانوارهای سال ۱۳۶۵ در نظر گرفته شده است. لازم به یادآوری است که با حذف رقم سال ۱۳۶۵، داده‌های رگرسیونی به‌ویژه برای سال‌های آخر دوره غیرقابل قبول می‌شوند. به عنوان مثال، بعد خانوارهای شهری در روش خطی به ۱/۵۳ نفر در سال ۱۳۹۵ و به ۰/۶۴ نفر در سال ۱۴۰۰ فرو می‌افتد که پذیرفتنی نیست.

۳. یافته‌های این روش‌ها در مورد بعد خانوار در نقاط روستایی نیز غیرقابل قبول است، زیرا این ارقام در هر سه روش رو به افزایش می‌گذارند و در پایان دوره با روش خطی به ۶/۲۱، با روش خطی - لگاریتمی به ۳۶/۶ و با روش اشباع‌شونده با خط مجانب ۴ نفر به ۵/۴۷ می‌رسد. این داده‌ها با توجه به کاهش محسوس باروری زنان و در نتیجه، کاهش تعداد افراد کم‌سال

1. Linear

2. Log-linear

3. Lower asymptot

خانوار، به‌ویژه در سال‌های آینده دور از منطق است و دلیل آن را باید در نقص داده‌های سرشماری‌های ۱۳۶۵ به بعد جست و جو کرد که طی آن سال‌ها به‌رغم کاهش باروری، تعداد اعضای خانوار افزایش یافته است. گرچه نحوه شمارش سربازان و سایر اعضای خانوارهای دسته‌جمعی در این افزایش مؤثر بوده است، لیکن با اصلاح روش سرشماری از این خانوارها در سال ۱۳۷۵، باز هم روال منطقی و مورد انتظار جمعیت‌شناختی بر آن حاکم نشده است.

۴. در ارزیابی کارشناسانه از یافته‌های روش‌های فوق، به نظر می‌رسد که نتایج حاصل از روش دوم (لگاریتمی - خطی) برای کل کشور و برای نقاط شهری پذیرفتنی‌تر از یافته‌های روش‌های دیگر است که در آن بعد خانوار در سال ۱۴۰۰ در کل کشور به ۳/۳۷ و در نقاط شهری به ۲/۷۱ می‌رسد و با الگوی قابل انتظار باروری، مرگ و میر و ساختار جمعیت هماهنگی بیشتری را نشان می‌دهد. با استفاده از یافته‌های این روش و پیدا کردن تفاضل ارقام شهری از کل کشور، داده‌های زیر به عنوان تعداد خانوارهای کشور به تفکیک نقاط شهری و روستایی حاصل می‌شود که در آن باز هم ارقام مربوط به نقاط روستایی کشور غیرقابل قبول است و بعد خانوار را در آن نقاط از ۵/۱۵ به ۷/۷۷ افزایش می‌دهد.

جدول ۶. برآورد تعداد خانوارهای کشور و نقاط شهری و روستایی آن به روش لگاریتمی - خطی

روستایی	شهری	کل	سال
۴,۷۸۰,۵۹۷	۹۴,۳۴,۰۱۸	۱۴,۲۱۴,۶۱۵	۱۳۸۰
۴,۷۵۵,۹۳۲	۱۰,۸۴۸,۳۷۳	۱۵,۶۰۴,۳۰۵	۱۳۸۳
۴,۸۸۴,۶۷۶	۱۱,۹۳۹,۸۷۲	۱۶,۸۲۴,۵۴۸	۱۳۸۵
۴,۸۵۸,۸۸۲	۱۴,۷۵۷,۲۲۵	۱۸,۶۱۶,۱۰۷	۱۳۸۸
۴,۸۶۵,۵۶۵	۱۵,۱۰۲,۲۱۹	۱۹,۹۶۷,۷۸۳	۱۳۹۰
۴,۴۲۴,۵۵۲	۱۹,۰۲۵,۲۲۹	۲۳,۴۴۹,۷۸۱	۱۳۹۵
۳,۵۸۰,۱۸۲	۲۳,۴۹۲,۲۵۱	۲۷,۰۷۲,۴۳۳	۱۴۰۰

بدین ترتیب، هیچ‌یک از روش‌های فوق، داده‌های هماهنگی به‌دست نمی‌دهند و به دلیل نقصی که در برآوردهای بعد خانوار روستایی پیدا می‌شود صحت داده‌های شهری و کل کشور نیز، مورد تردید قرار می‌گیرد.

لازم به یادآوری است که با تغییر مقدار C از ۴ به ۳/۵ در فرمول اشباع شونده به عنوان حد پایین بُعد خانوار در جامعه روستایی، تفاوت چندانی در یافته‌های آن به‌وجود نمی‌آید و بعد

جدول ۷. برآورد بعد خانوار نقاط شهری و روستایی از روی روند کاهش بعد خانوارهای کل کشور از ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ براساس تغییرات رگرسیون نیمه‌لگاریتمی (خطی-لگاریتمی)

روستایی	شهری	کل	سال
۵/۱۴	۴/۵۶	۴/۷۷	۱۳۷۵
۵/۰۵	۴/۴۷	۴/۶۸	۱۳۸۰
۴/۸۱	۴/۲۶	۴/۴۶	۱۳۸۳
۴/۶۵	۴/۱۲	۴/۳۱	۱۳۸۵
۴/۴۳	۳/۹۳	۴/۱۱	۱۳۸۸
۴/۲۸	۳/۸۰	۳/۹۷	۱۳۹۰
۳/۹۵	۳/۵۰	۳/۶۶	۱۳۹۵
۳/۶۳	۳/۲۲	۳/۳۷	۱۴۰۰

جدول ۸. برآورد بعد خانوارهای کل کشور و نقاط شهری و روستایی آن بر پایه اثرگذاری الگوی باروری مؤثر بر کاهش تعداد فرزندان عضو خانوار* از ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۰

برآورد بعد خانوار			الگوی باروری: TFR			سال
روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل	
۵/۱۵	۴/۵۶	۴/۷۷	۳/۳۵	۲/۲۳	۲/۶۵	۱۳۷۵
۴/۶۷	۴/۱۱	۴/۲۹	۳/۲۴	۲/۱۶	۲/۵۶	۱۳۸۰
۴/۳۰	۳/۷۷	۳/۹۴	۳/۱۷	۲/۱۲	۲/۵۱	۱۳۸۳
۱/۴۰	۳/۵۰	۳/۶۵	۳/۱۳	۲/۰۹	۲/۴۸	۱۳۸۵
۳/۷۷	۳/۲۶	۳/۴۱	۳/۰۶	۲/۰۴	۲/۴۳	۱۳۸۸
۳/۵۸	۳/۰۹	۳/۲۲	۳/۰۲	۲/۰۲	۲/۳۹	۱۳۹۰
۳/۴۱	۲/۹۳	۳/۰۵	۲/۹۱	۱/۹۵	۲/۳۱	۱۳۹۵
۳/۲۷	۲/۷۹	۲/۹۲	۲/۸۰	۱/۸۷	۲/۲۲	۱۴۰۰

* این تعداد از طریق کاهش تعداد والدین و اعضای دیگر خانوار، اعم از خویشاوند و غیرخویشاوند از ابعاد خانوار به دست می‌آید که با توجه به جدول ترکیب خانوارها، متوسط تعداد والدین عضو هر خانوار ۱/۸۸ نفر و ضریب ماندگاری فرزندان در خانوار بر پایه الگوی تجدید نسل ($R = ۲۹$) برابر ۰/۸۲۸۵۷ به دست می‌آید. لیکن اطلاعات کافی برای محاسبه اعضای غیرهسته‌ای عضو خانوارها وجود ندارد، ولی می‌توان به کمک گروه‌بندی‌های مربوط به ترکیب خانوار آن را حدود نیم نفر در کل خانوارها (۰/۴ نفر در خانوارهای شهری و ۰/۸۵ نفر در خانوارهای روستایی) برآورد کرد که به همین ترتیب در محاسبه ارقام فوق دخالت داده شده است.

خانوار نقاط روستایی در این شرایط از ۵/۲۲ به ۵/۴۵ می‌رسد که تفاوت معنی‌داری با ارقام محاسبه قبلی (۵/۲۲ به ۵/۴۷) ندارند.

در شرایطی که با روش‌های شناخته شده «نسبت خانوار به جمعیت»، «نرخ سرپرستی» و «روش‌های رگرسیونی» نتوان به نتیجه قابل قبول و هماهنگی رسید، باید به ترتیبی به تعدیل یافته‌های حاصل پرداخت. این تعدیل به دو طریق امکان‌پذیر است.

۱. اعمال الگوی کاهش بعد خانوار به دست آمده از روش نیمه‌لگاریتمی برای کل کشور به نقاط شهری و روستایی آن (جدول شماره ۷).

۲. دخالت دادن اثر کاهش باروری کل بر روی بعد خانوار از طریق اثرگذاری آنها بر تعداد فرزندان عضو خانوار که به نتایج مندرج در جدول شماره ۸ منجر می‌شوند.

که در حالت اول تعداد خانوارهای کشور در سال ۱۴۰۰ به ۲۷۰۷۲۴۴۳ خانوار (شهری ۱۹۷۶۱۰۱۲ و روستایی ۷۵۸۷۹۳۳) می‌رسد و مجموع خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۴۰۰، جمعاً ۲۷۶۵۱۲ خانوار، یعنی ۱/۰۲ درصد با کل اختلاف خواهد داشت.

در حالت دوم، تعداد خانوارهای کل کشور در سال ۱۴۰۰ به ۳۱۲۴۴۵۲۱ خانوار (شهری ۲۲۸۱۸۶۳۸ و روستایی ۸۴۳۱۱۹۴ خانوار با اختلاف سرجمع ۵۳۱۱ + خانوار در سال ۱۴۰۰) می‌رسد که این تفاوت اندک نیز ناشی از گرد کردن الگوی باروری زنان با دورقم‌اعشاری است. با قبول روش نخست به عنوان روش محتمل، داده‌های زیر به عنوان تعداد خانوارهای کشور و نقاط شهری و روستایی آن در سال‌های مختلف به دست می‌آید (جدول شماره ۹).

جدول شماره ۹. برآورد تعداد خانوارهای کشور به تفکیک شهری و روستایی با الگوی کاهش بعد خانوار در هر یک از آنها از ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۰ (ارقام به هزار خانوار)

سال	کل	شهری	روستایی	جمع شهری و روستایی*
۱۳۸۰	۱۴۲۱۵	۹۳۶۳	۴۸۸۲	۱۴۲۴۵
۱۳۸۳	۱۵۶۸۶	۱۰۴۸۳	۵۲۴۸	۱۵۷۳۱
۱۳۸۵	۱۶۸۳۵	۱۱۳۵۹	۵۵۳۳	۱۶۸۹۲
۱۳۸۸	۱۸۶۱۶	۱۲۷۴۵	۵۹۵۷	۱۸۵۰۲
۱۳۹۰	۱۹۹۶۸	۱۳۸۰۸	۶۲۷۵	۲۰۰۸۳
۱۳۹۵	۲۳۴۵۰	۱۶۶۳۹	۶۹۹۷	۲۳۶۳۶
۱۴۰۰	۲۷۰۷۲	۱۹۷۶۱	۷۵۸۸	۲۷۳۴۹

* یادآوری: سرجمع ارقام شهری و روستایی با ارقامی که مستقلاً برای کل کشور محاسبه شده است در سال ۱۴۰۰، حداکثر حدود یک درصد اختلاف دارد.

نتایج و راهکارها

از این مقاله می‌توان به نتایج و راهکارهای زیر رسید:

۱. با توجه به آنکه بررسی تحول خانوار به داده‌های زمانی قابل‌قیاسی نیاز دارد و این داده‌ها نیز باید در چارچوب تعاریف قیاس‌پذیری گردآوری شوند، تا به‌درستی بتوانند چگونگی تحول خانوار را نمایان سازند، باید از تغییر تعاریف در گردآوری آمارهای خانوار جلوگیری کرد.

۲. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند که نتایج حاصل از کاربرد روش‌های مختلف برای پیش‌بینی تعداد خانوارها در ایران، به دلیل تغییر تعاریف و مفاهیم از یک طرف، و تفاوت دقت و پوشش سرشماری‌ها از طرف دیگر، یکسان و مشابه نیست. از این رو بهتر است که در این موارد، روش‌های مختلفی به کار گرفته شوند و یافته‌های روش یا روش‌هایی مورد قبول قرار گیرند که سازگاری بیشتری با مبانی جمعیت‌شناختی داشته باشند.

۳. در پیش‌بینی ابعاد خانوار در کشورهایی که در مراحل میانی دوران گذار جمعیتی قرار دارند، باید اثر کاهش سطح باروری زنان بر بعد خانوار مورد مذاقه بیشتری قرار گیرد تا رابطه منطقی عملکردهای اعلام شده برنامه‌های کنترل موالید با واقعیت‌های جمعیتی به‌درستی شناخته شوند.

۴. تفاوت میزان رشد سالانه جمعیت (۱,۴۷ درصد) و خانوارهای معمولی (۲,۸۳ درصد) در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ در ایران، در شرایطی که نسبت خانوارهای تک‌زیست در این دوره، از ۴,۵ درصد به ۴,۴ درصد کاهش یافته و نسبت خانوارهای ۲ نفره نیز با افزایش جزئی از ۱۰,۴ درصد به ۱۱,۳ درصد رسیده است، توجیه‌ناپذیر می‌نماید؛ چه کاهش نسبت خانوارهای تک‌زیست به نوعی با افزایش نسبت ازدواج کرده‌ها و یا با افزایش نسبت ماندگاری فرزندان در خانوارهای والدینی ملازمه دارد که هر دو باید بعد خانوار را افزایش و از آن طریق میزان رشد سالانه خانوار را کاهش دهند که چنین نشده است. افزایش سهم نسبی خانوارهای دو نفره نیز باید انعکاسی از افزایش نسبت ازدواج کرده‌ها باشد که آمارها خلاف آن را نشان می‌دهند یا به معنی افزایش نسبی زوج‌های بدون فرزند است که می‌توانند در کاهش بعد خانوار و افزایش میزان رشد سالانه خانوار اثرگذار باشند. این اثرگذاری به دلیل افزایش جزئی نسبت خانوارهای دو نفره در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، تنها می‌تواند سهم بسیار اندکی در بالا بودن میزان رشد خانوارها نسبت به میزان رشد جمعیت داشته باشد.

۵. گرچه عوامل دیگری از جمله افزایش سن ازدواج، کاهش عمومیت آن و افزایش طول ماندگاری فرزندان در خانواده والدینی، در کنار فشارهای اقتصادی دوران جنگ و بعد از آن، عموماً در جهت افزایش بعد خانوار عمل می‌کنند که برآیند آنها باید در جهت کاهش میزان رشد

خانوار ظاهر شوند، لیکن وضع به گونه دیگری پیش آمده و میزان رشد سالانه خانوار به حدود دو برابر میزان رشد جمعیت رسیده است. از این رو، بررسی‌های جدی‌تری لازم است تا معلوم شود که ریشه این تفاوت در چیست. آیا اشتباه عمده‌ای در سرشماری از تعداد جمعیت در مقایسه با تعداد خانوار در یکی از سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ و یا هر دوی آنها پیش آمده است یا نه که در هر حال یافته بسیار مهمی خواهد بود.

منابع

۱. مرکز آمار ایران، نشریه‌های نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵.
۲. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۳) گزارش «بررسی تحولات جمعیت کشور از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۲»؛ دفتر برنامه‌ریزی مسکن، سازمان زمین و مسکن.
۳. مرکز آمار ایران (۱۳۸۳) آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار.
۴. مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوار (سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲).
۵. توفیق فیروز (۱۳۷۴) «پیش‌بینی خانوارها»، فصلنامه جمعیت، شماره ۱۱ و ۱۲، سازمان آمار و ثبت احوال کشور.
۶. زنجانی حبیب‌الله (۱۳۷۷) «مطالعات جمعیت در طرح آمایش سرزمین»، گزارش موضوعی دفتر آمایش سرزمین.
۷. زنجانی حبیب‌الله (۱۳۷۶) مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی-جمعیت، چاپ سوم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
8. United Nations (1970) *Methods of Measuring Internal Migration*, Mannul XI.